

صد روز آستن

حوادث !

ارژنگ بامشاد

صد روز مانده به انتخابات، هنوز جناح‌های اصلی حکومت کاندیداهای خود برای انتخابات ۱۸ خرداد ۸۰ را معرفی نکرده‌اند. موسوی خویینی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی از اصلاح‌طلبان در جمع دانشجویان دانشگاه زاهدان گفت: «آقای خاتمی برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۰ مرده است. حضور آقای خاتمی در انتخابات مسئله‌ای است که جزئیات آن هنوز برای خودش و دیگر احزاب و دستگاه‌های اجرایی مشخص نشده است. خاتمی نگاه می‌کند که اگر روند به این ترتیب ادامه داشته باشد آیا می‌تواند دردی از مشکلات مردم را دوا و وعده‌های داده شده به آن‌ها را محقق کند». (دوران امروز - ۱۷ اسفند ۷۹) و جمعیت مؤتلفه اسلامی در بیانیه پایانی دومین گردهم‌آیی سراسری این جمعیت تحت عنوان «انتخابی دیگر» پیرامون انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۰ نوشت: «انسداده فضای نقدی که اکنون توسط طرفداران جبهه دوم خرداد و جناح حاکم پدید آمده و هر نقد و انتقاد سازنده‌ای را به بحران و جنجالی سیاسی تبدیل می‌سازند، راه را برای بررسی منطقی عمل‌کرد مجریان و دست‌اندرکاران اجرایی کشور بسته و مانع تجدیدنظر مردم در انتخاب‌شان خواهد شد. عدم ارائه کارنامه شفاف و روشن از عمل‌کرد مجریان و مسدود کردن فضای نقد برای منتقدان دل‌سوز جامعه با روح نظام اسلامی و جمهوریت آن منافات دارد». و در پایان آورده است: «ملت مسلمان ایران برای رأی دادن به شخصیتی که بتواند قوه مجریه را برای ایرانی امن و متحد و مقتدر، برخوردار از عدالت اجتماعی-قضایی و آکنده از عطر فرهنگ انسان‌ساز اسلام و در یک کلمه ایجاد دولت اسلامی و اجرای اصلاحات اسلامی سامان دهد به انتخابی دیگر می‌اندیشد». در این گردهم‌آیی حبیب‌الله عسگراولادی در مورد زمان اعلام کاندیداتوری از سوی این جمعیت گفت: «زمانی نامزدمان را معرفی می‌کنیم که نتواند تخریب کند». (رسالت - ۱۶ اسفند ۷۹)

بنابراین دو قطب اصلی عرصه سیاسی کشور، هنوز زمان را برای اعلام کاندیداتوری مناسب نمی‌دانند. به دیگر سخن، کاندیدای اصلاح‌طلبان یعنی محمدخاتمی،

بقیه در صفحه ۲

کودکان خیابانی مظهر زشتی و ناهنجاری

جمهوری اسلامی

آزاده ارفع

در روزنامه "دوران امروز" مورخ ۲۹ بهمن ۷۹ خبری در رابطه با جمع آوری کودکان خیابانی درج شده است. در این خبر آمده است که شهرداری تهران در صدد پیاده کردن طرحی است که به موجب آن "ناهنجاری‌ها و زشتی‌های سطح شهر" را حذف نمایند. طرح مزبور به استقبال از بهار تحت عنوان "بهارانه" به مورد اجرا در خواهد آمد. حقانی معاون خدمات شهری و شهرداری تهران در رابطه با این طرح گفت: «این طرح لایروبی رودخانه‌ها، نهرها و جوی‌ها، تخلیه زباله‌ها و... شست و شوی کیوسک‌های فروش مطبوعات، رنگ‌آمیزی جداول... و جمع‌آوری متکدیان سابقه‌دار، دست‌فروشان و کودکان خیابانی، شست‌وشوی شیشه‌ها در و کرکره و سایبان واحدهای صنعتی، جلوگیری از ایجاد موانع فیزیکی در معابر و گذرگاه‌های عمومی و...» را شامل خواهد شد. در ادامه خبر آمده است: «جباری‌زادگان در مورد طرح جمع‌آوری متکدیان، دست‌فروشان و کودکان خیابانی گفت که طرح به صورت مقطعی به اجرا در می‌آید و هماهنگی اولیه با نیروی انتظامی به عمل آمده و اداره کل اجرائیات و انتظامات شهرداری به نمایندگی از نیروی انتظامی و حوزه معاونت خدمات شهری و شهرداری تهران با همکاری معاونت فرهنگی برای نگهداری موقت متکدیان و کودکان خیابانی اقدام خواهند کرد».

خبر مزبور از آن جهت تکان دهنده است که کودکان خیابانی، گدایان و دست‌فروشان را از مظاهر "زشتی‌ها و ناهنجاری‌های شهر" محسوب کرده که باید آن‌ها را هم‌سنگ زباله‌ها از سطح شهر... البته به طور موقت و مقطعی... پاک‌سازی کرد. قرار است این قربانیان فقر و فلاکت از طریق توسل به قوای قهریه رژیم جمهوری اسلامی و هم‌آهنگی انواع و اقسام ارگان‌های سرکوب آن برای زیباسازی شهر در آستانه بهار، از خیابان‌ها جمع‌آوری شوند. تو گوئی که این محروم‌ترین‌های جامعه ما به خواست خود خانه و کاشانه‌اشان را رها کرده، به خیابان‌های کثیف شهر پناه آورده، گرسنگی و بی‌خانمانی را به جان خریده‌اند.

ابعاد کنونی و تکان‌دهنده کودکان خیابانی، گدایان و دست‌فروشان پدیده‌ای است که در جمهوری اسلامی رشد نجومی به خود گرفته و روزانه بر تعداد آن افزوده می‌شود، که خود نشانه "زشتی و ناهنجاری" نظامی است که ادامه هر روز حکومت ضدمردمی‌اش حاصلی جز ویرانی اقتصادی و فقر و فلاکت خانمان‌سوز برای اکثریت مردم ایران ندارد.

متأسفانه هیچ آمار رسمی در رابطه با تعداد کودکان خیابانی وجود ندارد. اما به نوشته مجله پیام امروز (شماره ۴۲) چندی پیش در یکی از روزنامه‌ها تخمین زده شد که پلیس روزانه حدود ۹۰ دختر و پسر جوان را جمع‌آوری می‌کند. اکثر این جوانان برای رفع نیازهای زندگی خیابانی خود به دام قاچاق‌چیان و باندهای جنایت‌کار می‌افتند، یا سر از "مراکز هدایت اسلامی" در می‌آورند، مورد تجاوز قرار گرفته، به قتل می‌رسند، یا توسط باندهای سازمان داده شده توسط نهادهای جمهوری اسلامی به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس فروخته می‌شوند و یا در بهترین حالت، درصد بسیار نازلی شاید موفق شوند زندگی جدیدی را آغاز نمایند.

کدام عوامل پدیده کودکان خیابانی را به وجود آورده است بر گسترده‌گی آن می‌افزاید؟

گسترش فقر: بر اساس آمارهای گوناگونی که توسط اقتصاددانان مستقل ارائه شده است فقر مطلق و نسبی در دو دهه اخیر به شکل جهش‌واری افزایش یافته است. بسیاری از آمارها... که البته مانند هر زمینه دیگر رژیم جمهوری اسلامی در این عرصه نیز از انتشار آمار واقعی خودداری می‌کند... فقر مطلق را لااقل سی درصد و مجموعه فقر مطلق و نسبی را رقمی بیش از پنجاه و در برخی از موارد هشتاد درصد ارزیابی می‌کنند. دوزخ فقر و فلاکت بسیاری از خانواده‌های فرودست را از هم پاشانده و کودکان را بی‌سرپرست در خیابان‌ها رها می‌سازد. اکنون که وجود بچه‌های خیابانی به اوج خود رسیده و در روزنامه‌ها و مطبوعات مطرح می‌شود، شهرداری

بقیه در صفحه ۳

"گردهم‌آیی اجتماعی جهانی" در برابر "گردهم‌آیی اقتصادی جهانی"

روبن مارکاریان در صفحه ۳

تردید دارد و تمامیت خواهان، هنوز زمان را برای معرفی کاندیدای خود مناسب نمی دانند.

سیاست گرایش هار تمامیت خواهان که تحت رهبری جمعیت مؤتلفه اسلامی عمل می کند و برخی از نیروهای اش در قوه قضائیه مستقر و یا در روزنامه هایی مثل «کیهان» و «رسالت» سنگر گرفته اند، در ارتباط با انتخابات آتی روشن است. آن ها خواهان کنار رفتن خاتمی به میل خود، در بهترین حالت، و یا رد صلاحیت او توسط شورای نگهبان و یا برهم زدن قواعد بازی انتخابات برای قبضه کامل قدرت و خلاص شدن از دست اصلاح طلبان هستند. سیاست آن ها هم در بیانیه های این جمعیت، هم در سخن رانی های مصباح یزدی، محمدی زدی و احمد جنتی به عربیانی بیان شده و می شود. نوشته ی هفته نامه «فیض» که از سوی برخی از مدرسین حوزه ی علمیه قم منتشر می شود و آخرین شماره اش خاتمی را «ماکیاول جدید» نامیده و نقش او در «اسلام زدائی» را بدتر از نقش رضا شاه قلم داد کرده بود، در راستای سیاست های این جناح قابل فهم است. این گرایش با تشدید فشارهای تبلیغاتی خود بر اصلاح طلبان و شخص خاتمی، هدف دوگانه ای را در پیش رو دارد. از یک سو می خواهند خاتمی را در تردید خود مصرتر کرده و زمینه ی کناره گیری اش را فراهم آورند و از دیگر سو در تلاشند فشار خود بر شخص ولی فقیه و مردان قدرت مند جمهوری اسلامی را بالا برده و آن ها را متقاعد کنند به حمایت فعالانه از سیاست گرایش هار به پردازند. سیاستی که فاطمه حقیقت جو در سخنان پیش از دستور خود در جلسه یکشنبه ۱۷ اسفند خود در مجلس خطاب به خامنه ای، آن را سیاست «هجوم از پائین و حمایت از بالا» نامید.

اما سؤال کلیدی این است که آن چه برای گرایش هار تمامیت خواهان امری سهل و آسان به نظر می رسد، برای مردان قدرت مند جمهوری اسلامی، برای شخص ولی فقیه و مردانی هم چون مهدوی کنی (دبیر جامعه روحانیت مبارز) و یا هاشمی رفسنجانی نیز به همین روشنی و آسانی است؟ در این جا باید به چندین سؤال پاسخ داد. اول این که آیا مردان قدرت مند جمهوری اسلامی به نفع خود می بینند که پس از سرکوب و قلع و قمع اصلاح طلبان رادیکال و تداوم این سرکوب، اصلاح طلبان محافظه کار و در صدر آن ها «مجمع روحانیون مبارز» نیز از دایره بازی حذف شده و عرصه ی قدرت تماماً در اختیار تمامیت خواهان هار قرار گیرد؟ آیا حوادثی که در پایان دوره مجلس چهارم، تمامیت خواهان هار بر سر رفسنجانی آوردند، باعث نخواهد شد آن ها را از تسلیم کامل قدرت به گرایش هار بر حذر دارد؟ در این جا روشن است که اگر اصلاح طلبان محافظه کار از صحنه سیاسی کنار زده شوند، و خاتمی کاندیدای ریاست جمهوری نشود، قدرت مانور رهبر رژیم و دیگر مردان قدرت مند جمهوری اسلامی در برابر تمامیت خواهان هار به شدت کاهش خواهد یافت. به نظر می رسد سخنان آشتی جوینانه خامنه ای در برابر هیئت رئیسه مجلس در ۱۷ اسفند ۷۹ که مجلس را «(مرکز سیاسی)» و «(مرکز قانون گذاری)» نامید، و اختلاف سلابی را به رسمیت شناخت، در این راستا قابل فهم باشد.

اما مهم تر از آن، آیا مردان قدرت مند جمهوری اسلامی، در شرایط برانگیختگی مردم، مردمی که هر روز اوج خشم و نفرت خود از جمهوری اسلامی و بویژه دستگاه ولایت را بیش از پیش عریان می سازند، می توانند از سپر بلائی هم چون اصلاح طلبان و شخص خاتمی دست بکشند؟ این امر دیگر بر کسی پوشیده نیست که بویژه پس از سرکوب اصلاح طلبان رادیکال، اصلاح طلبان محافظه کار به عنوان سپر دستگاه ولایت در برابر جنبش مردمی عمل می کنند. این امر از مقطع ۸ تیر ۷۸ آغاز شده و هر روز بیش از گذشته صراحت یافت. روشن است که حضور اصلاح طلبان در حاکمیت و سکانداری خاتمی بر قوه مجریه، امری است که به صورت مانعی در برابر فوران خشم مردم عمل می کند، هر چند شاید به دلیل تداوم جدال جناح های حکومتی و در شرایط عدم سازمان یافتگی جنبش توده ای، فرصت هایی برای تجدید آرایش در اختیار مردم قرار دهد. این وضعیتی است که دستگاه ولایت و مردان قدرت مند جمهوری اسلامی را به تفکر و تردید واداشته است و همین تردید عاملی است که گرایش هار تمامیت خواهان در تلاش است با فشار خود و با انجام اقدامات سرکوب گرانه، و با قرار دادن آن ها در برابر عمل انجام شده، به خط خود تسلیم سازد. در این حالت در صورتی که رهبر رژیم و مردان تصمیم گیر و قدرتمند آن به این سیاست تمامیت خواهان هار بیبوندند، و یا پیوسته باشند، آن گاه باید پذیرفت که آن ها خود را برای شرایطی جدید و سرکوبی همه جانبه آماده کرده اند. آن ها نیک می دانند که برانگیختگی مردم، در عرصه های گوناگون، بیش از آن است که بتوان با آن بازی کرد. و خوب نیز می دانند که حضور اصلاح طلبان حکومتی، در شرایط کنونی، امکانی است که مانع فوران خشم مردم می شود، بنابراین اگر آن ها به سیاست حذف کامل اصلاح طلبان روی آورده باشند، و حتی حاضر باشند از خیر خاتمی نیز بگذرند، بنابراین باید در انتظار سیاست سرکوب هار و شمشیرهای آخته ای بود که مصباح یزدی مدام از آن سخن می گوید و حتی برای خود مسئله ریختن خون یک میلیون نفر را نیز حل کرده است.

اما مسئله سوم، جایگاه جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی است. روشن است که حضور خاتمی در رأس قوه مجریه در چهار سال گذشته توانسته است جمهوری اسلامی را از انزوای بین المللی خارج سازد. امری که حتی هاشمی رفسنجانی در دوران ریاست جمهوری خود، علیرغم تمامی تلاش های اش، نتوانست به آن نائل آید. نقش خاتمی در این راستا آن چنان برجسته است که رئیس پارلمان آلمان -ولفگانگ تیوزه - در سفر خود در تهران به صراحت آن را بیان داشت و تأکید کرد که حمایت آلمان برای تقویت اصلاح طلبان است. و در سخنانی بسیار صریح تر و بی پرده تر، جولیانو آماتو، رئیس دولت ایتالیا در سفر کوتاه شده خود به تهران در جمع خبرنگاران گفت: «جمهوری اسلامی باید یکی از دو راه را برگزیند، یا پیشبرد اصلاحات و توسعه اقتصادی و یا در پیش گرفتن انزوای بین المللی». و این پیام روشنی بود به سران جمهوری اسلامی که در تلاش خود در انتخابات ریاست جمهوری آینده، آن ها را قبل از اقدام، به تفکر دقیق تر و عمیق تر وادار خواهد ساخت. نباید از نظر دور داشت که سیاست درهای باز جمهوری اسلامی

در سیاست خارجی، سیاستی مختص اصلاح طلبان و شخص خاتمی نبود. این سیاست با حمایت خامنه ای از دوره ی ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی آغاز شد. اما پیش برنده ای این سیاست محمدخاتمی بود. حال باید دید که رهبران و مردان قدرت مند جمهوری اسلامی توان آن را دارند که با چشم پوشی از خاتمی، به تداوم این سیاست ضربات کاری بزنند. سیاست گرایش هار تمامیت خواهان در مقطع سفر رئیس پارلمان آلمان کاملاً روشن بود. صداوسیما و روزنامه «کیهان» به سیاست خارجی دولت خاتمی حملات تندی کردند. پیش از این نیز، قوه قضائیه با دستگیری و زندانی کردن شرکت کنندگان در کنفرانس برلین تلاش کرده بود بر روند عادی سازی مناسبات جمهوری اسلامی با کشورهای اروپایی تأثیر منفی بگذارد. اما آیا رهبر رژیم و سران جناح تمامیت خواه نیز حاضرند این سیاست را تا به آخر پی بگیرند. در این حالت، آیا آن ها عواقب این سیاست در عرصه ی بین المللی را محاسبه کرده اند؟ به نظر می رسد دولت های غربی در صورت کنار رفتن و یا کنار گذاشته شدن خاتمی، فشار خود بر دولت ایران را به شدت تشدید خواهند کرد و همین فرجه هایی که به روی اقتصاد نابسامان ایران گشوده اند را حداقل برای مدتی مسدود خواهند ساخت. آن گاه باید دید که تمامیت خواهان قادر خواهند بود در وضعیت بحرانی اقتصاد کشور، دست به چنین ریسک خطرناکی بزنند.

مجموعه ی عوامل فوق وضعیت بسیار حساسی در صد روز آینده به وجود می آورد. کنار رفتن، کنار گذاشته شدن یا ماندن خاتمی، دیگر مسئله ای در حد حضور یا عدم حضور یک کاندیدای ریاست جمهوری نیست. کنار رفتن و یا کنار گذاشتن او، به احتمال زیاد تعادل کنونی جمهوری اسلامی را بر هم خواهد زد. در صورتی که تمامی گرایشات تمامیت خواهان و بویژه رهبر رژیم و مردان قدرت مند این جناح، به سیاست گرایش هار تسلیم شده باشند و یا خود مبتکر این سیاست باشند، حتماً خود را برای شرایطی که تعادل رژیم در معرض تهدید قرار گیرد، آماده کرده، و امکانات خود برای سرکوبی شدید و همه جانبه را مهیا ساخته اند. در چنین حالتی، شکاف در میان اصلاح طلبان نیز به شدت افزایش خواهد یافت و زمینه ی جدایی بیشتر میان بخش رادیکال و بخش محافظه کار فراهم خواهد آمد. و بخش هایی از نیروهای رادیکال اصلاح طلبان مجبور خواهند شد با نزدیکی بیشتر به اصلاح طلبان غیر معتقد به ولایت فقیه، راه نزدیکی به جنبش مردمی را جستجو کنند. روشن است که چنین سیاستی از سوی جناح حاکم و روند تجزیه در میان اصلاح طلبان نمی تواند از سوی جنبش مردمی و نیروهای سیاسی فعال عرصه تحولات کشور با بی اعتنائی روبرو گردد. حوادثی که در مقطع به هم خوردن تعادل رژیم به وقوع می پیوندند، و نقشی که مردم در آن بازی خواهند کرد و تأثیراتی که عوامل بین المللی بر جای خواهند گذاشت، الزاماً به گونه ای نیست که پیروزی سیاست سرکوب را قطعی سازد. می توان و باید با سیاست سرکوب به شدت مقابله کرد. و از فرصت های متنوع و گوناگونی که پیش خواهد آمد، برای هموارتر کردن راه به گور سپردن جمهوری اسلامی بهره جست.

تهران در صدد جمع آوری زشتی‌ها و ناهنجاری‌های شهر بر می‌آید و فقط برای نگه‌داری "موقت" این قربانیان بی‌پناه طرح‌ریزی می‌کند. روشن است که رژیم فقها قصد افزایش بودجه برای حمایت از بچه‌های خیابانی را ندارد برای همین هم به طرح‌های موقت دست می‌زند.

قوانین حاکم بر مناسبات خانواده: علاوه بر فقر اقتصادی و فرهنگی قوانین ارتجاعی و بدوی ملهم از شریعت اسلامی ناظر بر مناسبات خانوادگی که در دوره جمهوری اسلامی خصلت ارتجاعی آن بطور غیرقابل‌تصور تشدید شده است، خود از عوامل فرار کودکان از خانواده می‌باشد. بر اساس این قوانین، والدین دارای اختیارات مطلق بر فرزندان خود هستند. این قوانین خشونت علیه کودکان را در خانواده نهادی کرده و فضای آکنده از خشونت، تحمیل و بی‌حقوقی کامل کودکان را زمینه‌سازی می‌نماید. برای نمونه در زیر تنها به قوانین مربوط به تربیت فرزند، قتل عمد فرزند، سن ازدواج و انتخاب همسر اشاره می‌کنیم:

تربیت فرزندان: به موجب ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی "ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تادیب یا تنبیه نمایند." و ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی هم در تاکید بر این قانون آورده است که: "اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شود:

۱- اقدامات والدین و اولیا قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تادیب یا حضانت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر این‌که اقدامات مذکور در حد متعارف تادیب و محافظت باشد...."

قتل عمدی فرزند: به موجب ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ "پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد."

سن ازدواج: قانون مدنی ایران در ماده ۱۰۴۱ مصوب ۱۳۱۳ شمسی اعلام می‌دارد: "نکاح قبل از بلوغ ممنوع است." و در تبصره یک از ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۶۰ شمسی تصریح شده که "سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است."

انتخاب همسر: تبصره ذیل ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی می‌گوید که: "عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی بشرط رعایت مصلحت مولی‌علیه صحیح می‌باشد" و طبق ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی "فقط پدر و جد پدری ولی طفل شناخته می‌شوند."

چنان‌چه مشاهده می‌شود قوانین مزبور مروج زور، خشونت، بی‌عدالتی، سرکوب و جنایت علیه کودکان بوده و فضای آکنده از خشونت، تحمیل و

بی‌حقوقی کامل کودکان را زمینه‌سازی می‌نماید. با وجود چنین قوانین فوق‌ارتجاعی جای تعجبی برای فرار کودکان از مطالبی که علیه آن‌ها در خانواده اعمال می‌شود، وجود ندارد.

فقدان پوشش تامین اجتماعی برای کودکان

نیز از عوامل بروز پدیده کودکان خیابانی است. در جمهوری اسلامی هیچ نوع نظامی برای تامین اجتماعی کودکان وجود ندارد. کودکان کاملاً وابسته به خانواده هستند، آن‌هم خانواده‌ای که همان‌طور که در بالا گفته شد، قوانین فوق‌ارتجاعی و قرون وسطانی بر مناسبات اولیا و کودکان حاکم است.

اما رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با پدیده‌ای که خود آن‌را از مظاهر "زشتی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی" می‌داند، چه کرده است؟ باید گفت که هیچ! برای نمونه نهادهایی که برای جمع آوری کودکان خیابانی وجود دارند و بودجه‌ای که به آن اختصاص داده می‌شود چنان نادر و نازل است که در برابر ابعاد عظیم پدیده کودکان خیابانی تنها به بی‌عملی رژیم شهادت می‌دهد. برای نمونه، پناه‌گاه "خانه ریحانه" از این نوع پناه‌گاه‌هاست که بودجه آن یک سال پیش توسط شورای شهر تهران تامین شد و فقط ۲۴ دختر فراری بین سنین ۱۲ تا ۱۷ سال را پناه داده است. حال مقایسه کنید با این حقیقت که به اعتراف پلیس تهران آن‌ها روزانه ۹۰ کودک خیابانی را جمع‌آوری می‌کنند. سوال این است که نهادهای انتظامی و قضائی رژیم چه بلاتی بر سر این کودکان می‌آورند؟ تنها کافی است که به نقش رئیس دادگاه انقلاب کرج، رئیس دادگستری کرج، سه تن از قضات شرع دادگاه‌های کرج و فرمانده انتظامی کرج در سازماندهی شبکه‌های فحشاء تحت عنوان "مرکز هدایت اسلامی دختران" و صدور دختران به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس اشاره کنیم تا روشن شود که پاسخ این نهادها به پدیده بچه‌های خیابانی چیست. بر این نمونه باید باند جنایت‌کاران رباینده دختران و فروش آن‌ها به شیخ‌نشین‌ها در بندرعباس را افزود که توسط فرمانده یکی از نهادهای سرکوب و همدستی تنی چند از هم‌کارانش را انجام می‌گرفت تا به ابعاد جنایات سازمان‌یافته علیه کودکان و دختران فراری توسط مسئولان حکومت اسلامی پی‌برد.

برای مقابله با به اصطلاح مظاهر زشت؟! ناشی از پدیده فقر و از جمله پدیده کودکان خیابانی باید فلاکت عظیم و گسترده، قوانین فوق‌ارتجاعی حاکم بر مناسبات خانواده و نیز نظام متکی بر تبعیض‌های طبقاتی و اجتماعی دگرگون شود؛ دگرگونی‌هایی که هیچ‌کدام با وجود رژیم اسلامی ممکن نیست. آری، زمانی به استقبال بهار واقعی خواهیم رفت که جمهوری اسلامی، رژیم فقر و فلاکت، رژیم شکنجه و اعدام به زباله‌دان تاریخ افکنده شود! و بر ویرانه‌های آن حکومتی از آن اکثریت مردم قدرت را در دست گیرد.

"گردهم آئی اجتماعی جهانی" در برابر "گردهم آئی اقتصادی جهانی"

روبن مارکاریان

"گردهم آئی اجتماعی جهانی" از تاریخ ۲۵ تا ۳۰ ژانویه ۲۰۰۱

در شهر "پورت‌الجور" برزیل برگزار شد. حدود ده هزار نفر از فعالین جنبش‌های ضدسرمایه‌داری دوره اخیر، که از سیاتل آغاز شده است، در این گردهم‌آئی بزرگ شرکت کردند. فعالین کشورهای آمریکای لاتین و در درجه بعد اروپای مرکزی حضور چشم‌گیری در این اجلاس داشتند. فعالینی از آفریقا و آسیا نیز در این گردهم‌آئی حضور داشتند، اگر چه حضور آن‌ها بسیار ضعیف و به نسبت مورد انتظار نبود.

"گردهم آئی اجتماعی جهانی" هم‌زمان با اجلاس سالیانه "گردهم آئی اقتصادی جهانی" یا اجلاس دوس برگزار شد که هر ساله در شهر کوهستانی دوس سوئیس تشکیل می‌شود. "دوس" که به درستی بین‌المللی سرمایه نام گرفته اجلاس اربابان سرمایه جهانی برای هم‌آهنگی میان بزرگ‌ترین انحصارات سرمایه‌داری و تعیین سیاست‌ها در عرصه‌های گوناگون می‌باشد؛ سیاست‌هایی که معمولاً به خط‌مشی نهادهای بین‌المللی سرمایه مانند "بانک جهانی"، "صندوق بین‌المللی پول"، "سازمان تجارت جهانی"، "اجلاس سران هشت کشور صنعتی" ... مبدل می‌شود. این اجلاس در دوره‌ی اخیر به مثابه موتورخانه روند جهانی‌شدن نئولیبرالی سرمایه‌داری معاصر عمل کرده است؛ روندی که در طی چند دهه اخیر موجب افزایش تصاعدی ثروت صاحبان انحصارات مزبور گشته و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در قطب مقابل در سطح جهانی را به گونه‌ای بی‌سابقه‌ای تشدید کرده است.

در شهر زوریخ سوئیس در مقابل "گردهم‌آئی اقتصادی جهانی" یک گردهم‌آئی آلترناتیو به نام "دوس دیگر" توسط نهادی که "نظارت مردمی بر دوس" نام دارد، برگزار شد. در این اجلاس حدود هشتصد نفر در کارگاه‌های گوناگون بحث شرکت کردند. "دوس دیگر" هر ساله به مثابه بدیل دوس تشکیل جلسه داده و تلاش می‌کند که در عرصه‌های گوناگون به تبادل نظر پرداخته و طرح‌های آلترناتیو ارائه کند. علاوه بر این گردهم‌آئی، نیروهای کارزار ضدسرمایه‌داری گردهم‌آئی و تظاهرات اعتراضی در شهر دوس علیه اجلاس پیش‌بینی نموده و برای آن اعلام بسیج کرده بودند. دولت سوئیس برای مقابله با اجتماعات اعتراضی و تظاهرات، نوعی حالت فوق‌العاده در مرزهای سوئیس و حکومت نظامی در دوس برقرار ساخت. کلیه راه‌های زمینی و نیز خطوط آهن برای ورود به سوئیس کنترل شده و به همه کسانی که مظنون؟! به شرکت در تظاهرات بودند اجازه ورود به سوئیس داده نشد. یک قطار مسافری که حامل چهارصد تظاهرکننده بود در شهر کوچک لانکوارت (lanqvart) که در محاصره پلیس و قوای انتظامی قرار داشت، متوقف شد. تظاهرکنندگان تلاش کردند تا از طریق بستن اتوبان اعتراض خود را نشان دهند، اما به سرعت توسط قوای پلیس به محاصره در آمدند. پلیس برای درهم‌شکستن اعتراض کسانی که از حق

بقیه در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۳ گردهم آبی اجتماعی

مسلم شهروندی، در یکی از کشورهای اصلی اروپائی، محروم شده بودند با گلوله‌های لاستیکی ماشین‌های آب‌پاش به آن‌ها حمله کرد. چندین اتوبوس حامل فعالین کارزارهای ضد سرمایه‌داری نیز که برای اجتناب از کنترل زودتر وارد سوئیس شده بودند با پست‌های نظامی نگهبانی برخورد کرده و ناچار به برگشت شدند.

اما "گردهم آبی اجتماعی جهانی" در پورت الجر در استان "ریوگرانددوسل" برزیل چگونه برگزار شد؟ شرکت کنندگان در "گردهم آبی اجتماعی جهانی" در ۴۰۰ کنفرانس و کارگاه بحث در زمینه‌های گوناگون به تبادل نظر پرداختند. همه فعالین شرکت‌کننده در اجلاس بر سر این موضوع توافق نظر داشتند که از سیاتل به بعد در قلمرو یکپارهای ضد سرمایه‌داری علیه روند نئولیبرالی جهانی شدن نقطه عطف جدیدی به وجود آمده است که تشکیل "اجلاس اجتماعی جهانی" یکی از دست‌آوردهای آن می‌باشد.

بحث، تبادل نظر و ارائه آترناتیو و پیشنهادهای موضوعی در عرصه‌های مشخص کارزار علیه روند جهانی شدن نئولیبرالی سرمایه‌داری در کارگاه‌های بحث دنبال شد. در این کارگاه‌ها نمایندگان جنبش‌های سندیکائی و اجتماعی از نقاط مختلف جهان به تبادل نظر و تجربه پرداخته و تلاش کردند که آترناتیوهای مشخصی در برابر الگوی‌های سرمایه‌داری ارائه دهند.

در ارتباط با بدهی‌های جهان حاشیه سرمایه‌داری "اریک نویسان" اقتصاددان بلژیکی و مسئول "جنبش برای الفای بدهی‌های جهان سوم" حاصل مباحثات را جمع‌بندی کرد. شرکت‌کنندگان در این کارگاه بحث، خواهان الفای بدهی‌های جهان سوم و ایجاد یک "صندوق جهانی توسعه" تحت نظر سازمان ملل شدند که بودجه آن از محل بستن پنج دهم در صد مالیات بر عملیات بورس بازی در سطح جهانی تامین خواهد شد. او اعلام کرد که بدهی کشورهای در حال توسعه در طی ۲۰ سال گذشته چهار برابر شده و رقم آن از ۵۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۲۰۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسیده است؛ و این در حالی است که کشورهای در حال توسعه در طی این مدت ۳۳۵۰ میلیارد دلار بهره وام‌های خود را بازپرداخت کرده‌اند که معادل شش برابر اصل بدهی‌های آن‌ها می‌باشد.

مسئله تجارت جهانی و از جمله عمل‌کرد "سازمان تجارت جهانی" که در صدد اعمال معیارهای یک جانبه به کشورهای جهان به سود انحصارات بزرگ مالی است، نیز از مباحثی بود که مورد علاقه ویژه قرار گرفت. در طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ کشورهای جنوب از بابت تجارت خارجی خود ۴۵ میلیارد کسری داشته‌اند، در حالی که مازاد تجاری کشورهای توسعه یافته شمال در طی همین دوره مبلغی بالغ بر ۸۹ میلیارد دلار بوده‌است. با این وصف "سازمان تجارت جهانی" که یکی از بازوهای نئولیبرالیسم در سطح جهانی است، تلاش می‌کند تا با تحمیل سیاست درهای باز این شکاف‌ها را به ضرر کشورهای توسعه نیافته هر چه عمیق‌تر سازد. شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های بحث البته قادر

نشوند در همه زمینه‌ها به آترناتیوهای مشخص دست یابند. از جمله این مسائل مسئله "رسانه‌ها و ارتباطات" بود. شرکت‌کنندگان در این کارگاه بحث توافق نظر داشتند که رسانه‌های جهانی در قبضه بنگاه‌های مغظمی است که امر اطلاع‌رسانی در سطح جهانی را در انحصار خود در آورده و در بسیاری از موارد به قلب حقایق می‌پردازند. اما علیرغم پیشنهادات گوناگون ارائه بدیل مشخصی که راهگشای یک نظام اطلاعاتی دمکراتیک در سطح جهانی باشد حاصل نشد.

یکی از حوادث این اجلاس تظاهرات زنان در داخل اجلاس بود. فعالین زنان در اعتراض به عدم توجه کافی به تحلیل و ریشه‌یابی تبعیضات جنسی و ارائه بدیل‌های مؤثر برای از میان برداشتن ستم جنسی از طریق باندرول، اعلامیه‌ها و خواندن آواز و سرود... اعتراض خود را نشان دادند. آن‌ها اعلام کردند که مسائلی که در ارتباط با زنان در گردهم آبی مطرح شده است تناسبی با واقعیت‌های خشن جهان معاصر علیه زنان ندارد. اعتراض مؤثر و قاطع فعالین زن شرکت‌کننده در گردهم آبی موجب شد که در بیانیه‌های نهائی صادر شده توسط کارگاه‌های بحث و یا گروه‌بندی‌های شرکت‌کننده مسئله زنان بطور برجسته مورد تاکید قرار گیرد.

نمایندگان پارلمان شرکت‌کننده در "گردهم آبی اجتماعی جهانی" (حدود ۲۰۰ نماینده) نیز اجلاس ویژه نمایندگان پارلمان‌ها را تشکیل دادند که در نهایت منجر به صدور بیانیه‌ای شد که آن درخواست‌های طرح شده توسط جنبش‌های اجتماعی گوناگون مورد حمایت قرار گرفت. در این بیانیه به ویژه به اهداف جنبش زنان که تحت جنبش "راه‌پیمائی جهانی زنان" مطرح شد، توجه ویژه‌ای شده است. در این بیانیه هم‌چنین از عملیات بورس‌بازی در سطح جهانی، از بین بردن بهشت‌های سرمایه‌(کشورهای) که سرمایه‌های بزرگ برای فرار از مالیات به آن‌ها مهاجرت می‌کنند، اصلاح رادیکال "سازمان تجارت جهانی"، اجرای تعهدات کنفرانس ریودو ژانیرو در سال ۱۹۹۲ در ارتباط با محیط زیست و... حمایت شده است.

در زمینه ارائه یک آترناتیو همه جانبه در برابر روند جهانی شدن نئولیبرالی سرمایه‌داری پیشنهادهای گوناگونی مطرح و به بحث نهاده شد. اما کاملاً طبیعی بود که در یک تجمع بزرگ با کثرت نظری فوق‌العاده زیاد و تعدد پیشنهادات امکان حصول به یک توافق جامع و همه جانبه وجود نداشته باشد. از همین رو کمیته سازمان‌دهنده "گردهم آبی اجتماعی جهانی" اعلام کرد که این بحث هم‌چنان باز بوده و پیشنهادات، پیش‌نویس‌ها و پلتفرم‌های ارائه شده برای دامن زدن هر چه بیشتر به این مباحثات از طریق اینترنت در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت.

از جمله قرارهای مهم "اجلاس اجتماعی جهانی" تصمیم‌گیری برای برگزاری اجلاس آینده در پورت الجر بود. این اجلاس با تدارک گسترده‌تری چه بلحاظ عملی و چه بلحاظ نظری برگزار خواهد شد.

در این اجلاس هم‌چنین شبکه‌های ارتباط میان نهادهای گوناگون شرکت‌کننده در کارزار برای کارزارهای آینده تقویت شده و برنامه آینده کارزارهای مشترک به ترتیب زیر تعیین شد

– اجلاس منطقه‌ای "گردهم آبی اقتصادی جهانی" در

مکزیک، ۲۶ تا ۲۷ فوریه،

– اجلاس "منطقه آزاد تجاری آمریکا"، ۶ تا ۷ آوریل بونیس آیریس آرژانتین و ۱۷ تا ۲۲ آوریل در کبک کانادا،

– "بانک توسعه آسیا"، هونولولو، در ماه مه،

– اجلاس "سران هشت کشور صنعتی" ۱۵ تا ۲۲ ژوئیه در جنوای ایتالیا،

– اجلاس سالیانه "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی" در واشنگتن ۲۸ سپتامبر تا ۴ اکتبر،

– اجلاس "سازمان تجارت جهانی" ۵ تا ۹ نوامبر (قطر!؟).

جریانات و نهادها شرکت‌کننده هر یک با خود لوح یادگاری آورده بودند که در آن‌ها نام شرکت‌کنندگان هم‌راه با جملات کوتاه در باره آینده مبارزات ضد سرمایه‌داری جهانی حک شده بود. در روز پایانی اجلاس بنای یادبودی که از این سنگ‌ها ساخته شده بود، افتتاح شد. به این بنا عنوان "موازیات جامعه مدنی جهانی" داده شده است که به عنوان بنای یادبود اولین اجلاس "گردهم آبی اجتماعی جهانی" باقی خواهد ماند.

در مراسم پایانی هزاران نفر در راه‌پیمائی که حالت جشن و سرور داشت شرکت کردند. جمعیت فریاد می‌زدند "اتحاد رمز پیروزی ماست"، "ما همه ژوزه بوه هستیم". "ژوزه بوه" نیز در پاسخ به این ابراز احساسات پرشور اعلام کرد؛ "قرن جدید از سیاتل آغاز شد ولی هزاره جدید از پورت‌الجور شروع می‌شود". "ژوزه بوه" رهبر اتحادیه دهقانان فرانسه و از فعالین جنبش سیاتل هم‌راه با بخشی از "جنبش دهقانان بی‌زمین برزیل" به یک مزرعه مونسانتو (Monsanto) نمونه انحصار بزرگ مواد غذایی وارد شده و سویاها را به عمل آمده در این مزرعه آزمایشی را از جا کردند. این انحصارات چنان تغییرات ژنتیکی در بذرها به وجود آورده‌اند که برای بار دوم قابل کشت نبوده و دهقانان ناچارند برای هر بار کاشت مجدداً از انحصارات مزبور بذر خریداری کنند. این اقدام "ژوزه بوه" موجب صدور حکم اخراج او از برزیل توسط مقامات انتظامی محلی شد که البته در نتیجه دخالت حزب کارگران برزیل حکم مزبور لغو شد. به این ترتیب اولین مجمع بین‌المللی برای مقاومت مشترک علیه روند جهانی شدن نئولیبرالی سرمایه‌داری کار خود را با موفقیت به پایان رساند.

از زمان فروپاشی بلوک شرق نظریه‌پردازان جهان سرمایه‌داری با طرح تئوری پایان تاریخ چنین وانمود می‌کردند که انسان دنیای معاصر تقدیری به جز جهان سرمایه و گزینی به غیر از گردن نهادن بر موج نئولیبرالی آن در پیش رو ندارد. بیگانه‌های یک ساله‌ی اخیر و تشکیل اجلاس "اجتماعی جهانی" نشان داد که نظریه‌پردازان جهان سرمایه در توهم به سر برده و رابطه‌ای خود را به طور کامل با واقعیت‌های جهان معاصر گسسته‌اند. "اجلاس اجتماعی جهانی"، انحصار انحصارات مالی برای رقم زدن به آینده جهان را در هم شکست و در برابر "داوس" در شمال، "پورت‌الجور" در جنوب پا به عرصه ظهور نهاد. مبارزه علیه سرمایه‌داری جهانی و برای جهانی آزاد، برابر و هم‌بسته در سال پیش‌رو با تلاش بیشتر فعالین این جنبش ادامه خواهد یافت. موفقیت پورت‌الجور گواهی است بر این حقیقت!